

جلسه ۲۱۷ (س) ۹۰/۲/۱۳

## بسم الله الرحمن الرحيم

بحث در این بود که قضای روزه، بر چه کسانی واجب است، گفتند بر اینکه کسی که بلوغ داشته باشد، ازش صومی فوت شده باشد، یا کسی که عاقل باشد، ازش صوم فوت شده است و یک مسلمان، سه تا شرط داشت، بلوغ و عقل و اسلام. ما درباره‌ی بلوغ بحث کردیم بر کسی که غیر بالغ است، اگر از آن صوم فوت شد قضا نشد، صور مربوط به بلوغ ذکر شد، و دیگر مجنون، کسی که مجنون است ازش، صوم فوت بشود، قضا ندارد اعم از اینکه جنونش به اختیار خودش به وجود آمده است و یا به اختیار خودش نباشد، همین قدر که مجنون شد و از آن صوم فوت شد، مشمول ادله‌ی قضا نیست، صوم مغما علیه است کسی که بیهوش شده است در حال بیهوشی ازش روزه فوت شده است، که اگر بیهوش نمی‌شد روزه می‌گرفت آیا یک روز و چند روز روزه از او فوت شد در حالیکه این بیهوش بود و در حال کما بود به اصطلاح، بعداً که حالش به جا آمد آیا قضای آن صوم‌هایی که در حالت مغما علیه بودم فوت شده است قضا دارد یا نه؟ این هم قضا ندارد. سوا اینکه نیت کرده است برای روزه گرفتن، و بعداً در وسط روزه عارض شده است و یا نیت نکرده باشد چند روز بدون نیت در حالت اغما بوده است و بعداً به هوش آمده است،

واجب نیست که روزه‌هایی که فوت شده است، در حالت اغما قضا کند، دلیل این روایاتی است که داریم نقل می‌شود از شیخ طوسی، و شیخ مفید، و سید مرتضی، در جواهر هم در جلد هفدهم صفحه ۲۶۸. در جواهر در جلد هفدهم از آن چایی که پیش بنده هست، صفحه ۲۶۸، از این سه نفر، شیخ مفید، و سید مرتضی و دیگر شیخ طوسی، از این سه نفر نقل می‌کند که فرق گذاشتند که به این که سبق منه نیت او لم یصح نیت ان سبق منه نیت ثم عرض الاغما قضا ندارد و ان لم یسبق من نیه و عرض الاغما قضا دارد. این تفسیر، در حقیقت مثل تفسیر به خواب است در خواب همینطور است اگر کسی سبق منهنم نیه، قصد روزه کرده است خوابش برد تا غروب روزه‌اش درست است و قضا ندارد اگر لم یسبق فی التیه خواب عارض شد روزه‌اش قضا دارد. مقایسه کردن ما نحن فیه را قیاس کردند ما نحن فیه را به نوم، و نقل می‌شود که علامه در مختلف هم همین تفسیر را داده است ولی خوب از لحاظ روایت که عرض می‌کنیم از لحاظ تفاوت هم تفاوت وجود دارد بین کسی که خواب رفته است و کسی که بیهوش شده است، کسی که خواب رفته است، خوب اگر بیدار کنند فوراً بیدار می‌شود این یک سطح عقل است عقل الآن در خواب عقلش حاکم نیست ولی خیلی خفیف است، اما در مثل مست و بیهوش، سطر عقل و درک شدید است آدمی که خواب رفته است بله در حال خواب درک ندارد، اما به مختصر تکان دادن است به مختصر صدا بیدار می‌شود ولی

۲۰ جلدی، اینجا روایات زیاد است اخیر اول، محمد بن حسن، باسناده عن سعد بن عبدالله، عن ایوب بن نوح، سند حدیثی است یعنی شیخ طوسی، در تهذیب به اسنادش از سعد بن عبدالله، شیخ طوسی (ره) احادیث را از اصول می گرفته است، خوب این اصول، به این جوامع در اختیار شیخ طوسی بوده است در کتابخانه بسیار غنی در آن روز، خوب از کتاب گرفته است، خود شیخ طبقه‌ی دوازده است ولی سعد بن عبدالله حمیری قمی است از فقهای قم، از محدثین بزرگ قم، از کتاب آن گرفته است آن سعد بن عبدالله طبقه‌ی هشتم است، چهار طبقه فاصله است نمی تواند از آن بلاواسطه نقل کند از کتاب گرفته است و آن وقت عرض کردیم که شیخ طوسی در آخر تهذیب خودش آنجا اسناد خود را ذکر می کند (صحبت های متفرقه) به حضرت امام هادی (علیه السلام) نامه ای نوشته است عیوب ابن نوح، اسئله عن المقم علیه، یؤمن اکثر، کسی که بیهوش شده است و یک روز و یا بیشتر هل یقضی ما فات املا، آیا آن چه که از او فوت شده است، قضا می کند و یا نه؟ خوب در سؤال نیست که از روزه و یا نماز ولی جواب هر دو را دارد. فکتاب علیه اسلام لا یقض الصوم و لا یقض الصلاة. در جواب حضرت مرقوم فرموده اند که نه نماز و نه روزه هیچ یک از اینها را قضا نمی کند. این خبر اول باب است، خوب اینجا بعد از نقل حدیث از شیخ طوسی، که از تهذیب گرفته است ما یک سند دیگر هم برای شیخ طوسی نسبت به اسنادی عن محمد بن علی

به خلاف بیهوش، آدم بیهوش آن دیگر به این زودی به صدا و حرکت بیدار نمی شود و پس قیاس کردن مانحن فیه بر نوم قیاس مع الفارق است، به علاوه ما روایاتی هم داریم عمده‌ی همین روایات دلیل است به اینکه در نماز و روزه در هر دو همینطور است، در نماز آن کسی است که در کل وقت بیهوش است قضا ندارد و بعضی اگر اول وقت، یک مقدار بیهوش بود، می توانست بخواند و نخواند قضا دارد به هوش آمد در آخر وقت، ولی باز هم می توانست بخواند نخواند، قضا دارد، نماز اینطوری است در آخر وقت حتی، کسی یک رکعت درک کند چون ما روایات داریم من ادرك رکعة من الوقت و ادرك الوقت کله، یک قاعده ای است که هر کس در آخر وقت، هر معذوری یا سالم است فرق نمی کند اگر یک رکعت از آخر وقت را ترک کرد کل وقت را ترک کرده است، اگر به جای نیابرد باید قضایش را به جای بیاورد. این در مست هم همینطور است در بیهوش هم همینطور است اگر حال بیاید یک رکعت از آخر وقت است باید قضایش را به جای بیاورد و اما این را هیچ نمی شود قیاس کرد به مسئله‌ی خواب، ممکن است که تکان بدهند حرف بزنند و بیدار بشود، سفارش کرده باشد که من را بیدار کنید مثلاً اما بیهوش اینطور نیست مست اینطوری نیست، تفاوت است بین بیهوش و مست و خواب، بله، به علاوه ما روایاتی داریم عمده دلیل ما این روایات است، در صفحه ۱۶۱، از جلد ۷ که رسائل باب ۲۴ از ابواب من یصح منه صوم، از رسائل

که وثاقت این شخص ثابت نیست. این احادیث مورد عمل فقهای ما است، ضعف در سند در اینجا مضر نیست، خوب قال کتبت علیک و بالمدينة نوشته است و در مدینه بوده است و این هم به ابوالحسن ثالث اسئل عن النغما علیه، یؤمن اکثر، هل یقض ما فات، و کتب علیه السلام، لا یقض صوم، نه صوم دارد و این صوم دارد که محل بحث ما است و آن خبر اول ما هم صوم داشت و هم صلاة ولی این صوم دارد، که بعداً بررسی می‌کنیم. شیخ طوسی این خبر دوم را از کتاب محمد بن حسن صفار گرفته است، ولی در عین حال اسناد دیگر هم دارد و به اسناد شیخ طوسی عن محمد بن محمد بن یحیی، عطار قمی آن هم از اجلای روات است عن محمد بن عبدالجبار، خیلی خوب است عن علی بن مهزیار، از علی بن مهزیار خبر با سند دوم، صحت و صحیح است، سألته و ذکر مثل الاول، (صحبت‌های متفرقه) خبر سوم. و به اسناد شیخ طوسی، عن ابراهیم بن هاشم، ابراهیم بن هاشم طبقه‌ی هفتم و پدر علی بن ابراهیم است. خودش کتاب داشته است و خیلی مهم بوده است، خوب ابراهیم بن هاشم در حالاتش است که اول من نشر حدیث کوفیین به قم، (صحبت‌های متفرقه) عن عبدالله بن مغیره آن هم ثقة ثقة خیلی جلیل القدر است از طبقه‌ی ۵ است ایشان، خوب عن عبدالله بن سنان و خبر صحیح است. قال کلمنا غلب الله علیه فلیس علی صاحبه شیء. خوب این یک قاعده‌ی کلی است، کلمنا آیا کلمنا درست است یا کلمنا درست است؟ اینجا کلمنا بخوانیم

محبوب عن علی بن محمد بن سلیمان خوب باز شیخ طوسی اسناد خودش از محمد بن محبوب، اسناد خود شیخ طوسی هم به ایشان خیلی خوب است محمد بن علی بن محبوب قمی است، ??? کوفی است، در طبقه هم فرق دارند محبوب طبقه‌ی پنج است ولی محمد علی بن محبوب قمی طبقه‌ی ۶ است هر دو هم خوب هستند و هر دو هم صاحب کتابند خوب این خبر است این خبر را شیخ طوسی از کتاب ابن محبوب قمی هم گرفته است، عن علی بن محمد بن سلیمان این توصیق نشده است، منتها یک کلمه‌ای دارد از ابن و کتبت علی الفیقه ابوالحسن العسکری. آن خبر اول ابوالحسن ثالث یک نفر است و عبارت فرق می‌کند آن ابوالحسن ثالث بود. حضرت هادی. این ابوالحسن العسکری آن هادی است اما این عبارت آن با آن فرق دارد. کتبت الی الفیقه، ابوالحسن عسکری (علیه السلام) و ذکر نسلق، این خبر اول باب که دلالت داشت بر اینکه لا ??? صلاة علی الصوم. خوب خبر ۲. و به اسناد عن محمد بن حسن صفار، شیخ طوسی باز به اسنادش شیخ طوسی آن خبر را از جامع و کتاب سعد بن عبدالله گرفته است، این را شیخ طوسی از محمد حسن صفار گرفته است محمد بن حسن صفار از طبقه‌ی هشتم است از ??? روات قم است، عن علی بن محمد قاسانی، علی بن محمد بن قاسانی، قاسان کاشان است، بنده نوشتم روی صفحه که لم یسقط وثاقت، علی بن محمد قاسانی وثاقتش ثابت نیست. در موجه رجال و حدیث هم ذکر کرده است

بینید که چه قدر دلالت دارد، کُلما غلب الله علیه اگر شما بدون اختیار یک نفر بیهوش شد، بله کُلما غلب الله علیه، بیهوش شد بدون اختیار و اگر به حال آمد خودش یک دوا خورده است و بیهوش شد آیا آن هم اینجا این بحث پیش می آید آن غیر از آن خبر قبل است خبرهای قبل یقظ صوم و یقظ صلاة اما این قاعده‌ی کلی باید برویم مفاد این چه قدر است، کُلما غلب الله علیه فلیس علی صاحب شیء اگر یک شخصی بدون اختیارش بیهوش شد و کُلما غلب الله و اگر خودش یک کاری کرد، از جهت اینکه خداوند آن خاصیت را قرار داده است در آن چه که این شخص خورد و بیهوش شد غلب الله علیه، از جهتی به اختیار خودش آن را خورد نه، این است که آن شمول این کُلما غلب الله علیه، در آنجا که انسان به اختیار خودش موضوع به وجود آورده است که باعث شده است بیهوش شده است اینها مشکل است آن، ولی ایشان ذکر کرده است در اینجا این را، خوب، کُلما غلب الله علیه، فلیس علی صاحب شیء. حدیث سوم، چهارم و پنجم باشد، برویم سراغ ششم، آن دو تا را بعداً می‌گوییم ششم، از شیخ صدوق است، محمد بن علی بن الحسین، یعنی شیخ صدوق به اسناد عن علی بن مهزیار، خوب شیخ صدوق طبقه‌ی چندم است؟ ۱۰ است، کلینی ۹ است. شیخ صدوق ۱۰ است، مفید ۱۱ است، و شیخ طوسی ۱۲ است، به ترتیب استاد و شاگرد داریم می‌گوییم دیگر، کلینی طبقه‌ی ۹ است، این طبقه بندی آقای بروجردی است، اما شیخ

و یا کُلما بخوانیم. کُلما غلب الله علیه، کُلما قلب الله علیه؟ کدامشان درست است؟ وفرقشان چیست؟ در جاهای دیگر هم بفهمیم.؟؟؟ شما گفتیم که دیروز عروه بیاورید و امروز هم بگوییم که رسائل بیاور. کجا بگوییم کُلما و کجا کُلما صحبت از کجا می‌پرسم و جایی دیدیم کجا بگوییم کُلما و کجا بگوییم کُلما؟ (صحبت‌های نامفهوم) بفرمایید که کُلما صور قضیه است مثل کُلما کانت شمس طالعة و نهار موجود و می‌خواهیم یک قاعده‌ی کلی به دست بدهیم. و قضیه را برای صوری ذکر کنیم اینجا می‌گوییم کُلما اینجا کُلما غلط است، کُلما کانت الشمس طالعا و نهار موجود این کُلما است. شما می‌خواهید یک ظرفی را بیان کنید و از آنجا که مبتدا است کُلما و اینجا مبتدا است کُلما مثل کُل نفس ذائقة الموت این مبتدا است، کُلما غلب علیه یعنی هر چیزی که غلب الله علیه لیس علی صاحب شیء پس قاعده اینجوری شد. مبتدا است، می‌خواهیم اسناد را به آن بگوییم می‌گوییم که کل نفس ذائقة الموت کُل می‌خوانیم و مبتدا می‌خوانیم و هر کجا نه صور قضیه است، مثل کُلما کانت الشمس پس کُلما می‌خوانیم. اینجا کُل باید بخوانیم. کُلما غلب الله علیه هر چیزی که خداوند بر آن غالب شده است، یعنی خداوند به وجود آورده است. جنونی غلب الله علیه، اینجا هم بیهوشی غلب الله، کُلما غلب الله علیه، فلیس علی صاحب شیء. این یک کبری است فلیس علی صاحب شیء، و بر صاحب آن چیزی نیست. این را اگر بخوانیم بگیریم، این حالا

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین

صدوق در سال ۳۸۱ وفات کرده است کلینی ۳۲۹ وفات کرده است اما صدوق ۳۸۱، شیخ مفید ۴۱۳، شیخ طوسی ۴۶۰، بنابراین کلینی طبقه ۹ است شیخ صدوق ۱۰ است، مفید ۱۱ است، و شیخ طوسی ۱۲ است. خبر حالا این است که شیخ صدوق به اسناد علی بن مهزیار، مهزیار طبقه ۶ است، از کتابش گرفته است، شیخ صدوق هم از کتابش گرفته است، شیخ طوسی هم از کتاب می گرفت خواندیم که چند تا از کتاب گرفته بود، شیخ صدوق از کتاب علی بن مهزیار عنه سأل، علی بن مهزیار خوب مقامش خیلی بالا است سؤال کرد از ابوالحسن ثالث، این علی بن مهزیار حضرت رضا (علیه السلام) را هم درک کرده است، حضرت جواد (علیه السلام) هم درک کرده است. حضرت هادی (علیه السلام) است. عن هذه المسألة یعنی مسئلهی مغما علیه فقال الله یقض صوم و الصلاة . صوم و صلاتش غذاش نمی شود. بعد این را اضافه کرده است، کُلُّما غلب الله علیه،؟؟؟ والعذر این را هم آوردند. خوب الآن ما، چهار تا خبر خواندیم دلالت دارد بر عدم وجوب قضای صوم و صلاة ولی آن دو تا را که نخواندیم، چهارم و پنجم می گوید که قضا باید بخوانید. فردا انشاء الله بررسی کنیم که آنها است یا این؟ انشاء الله تعالی.